



گروه چهارم)

گروه چهارم کسانی هستند که این کتاب را عیناً رساله علی بن بابویه به فرزندش شیخ صدوق می دانند. این رساله به شرایع معروف است.

از این گروه می توان به بزرگانی اشاره کرد.

یک: میرزا عبدالله افندی صاحب ریاض العلماء^۱

نکته جالب در کلمات ایشان آن است که وی علت اشتباه فقها را اشتراک نام علی بن بابویه با امام رضا (ع) می داند. وی معتقد است چون نام پدر صدوق ابوالحسن علی بن موسی بن بابویه است، همین باعث اشتباه شده است. وی می نویسد:

«إنّ هذا الكتاب بعينه رسالة عليّ بن بابويه الى ولده الشيخ الصدوق، و انتسابه الى الرضا عليه السلام غلط نشأ من اشتراك اسمه و اسم والده، فظنّ أنّه لعليّ ابن موسى الرضا عليه السلام، حتى لقّب تلك الرسالة بفقّه الرضا عليه السلام، و كان الأستاذ العلّامة - قدّس سرّه - يميل الى ذلك»^۲

بنا به نقل مرحوم نوری، مراد از استاد علامه، میرزا ابی الحسن شیروانی مشهور به ملا میرزا است. نکته حائز اهمیت دیگر آن است که مرحوم میرزا عبدالله، در همین عبارت که شرح حال قاضی امیر حسین است، می نویسد اگر امر بر سید امیر حسین اشتباه نشده باشد، او حقه بازی کرده است [لتمّ له الدست]

دو: مرحوم سید حسین قزوینی در شرح شرایع^۳.

جمع بندی مرحوم صاحب مستدرک:

مرحوم نوری پس از ذکر اقوال ۴ گانه می نویسد:

«و ملخص هذه الأقوال: إنّ هذا الكتاب للرضا عليه السلام تأليفاً، أو إملاءً، أم لا؟ و على الثاني هل هو داخل في جملة الأخبار القويّة أو الضعاف، أو لا؟ و على الثاني هل يعرف مؤلّفه أم لا؟ ذهب الى كلّ واحد منها ذاهب، على حسب اختلافهم في الكثرة و القلّة، و الذي أعتقده أنّ إملاء بعض الكتاب منه عليه السلام، و الباقي لأحمد بن محمد بن عيسى الأشعري، و هو داخل في نوادره.»^۴

توضیح:

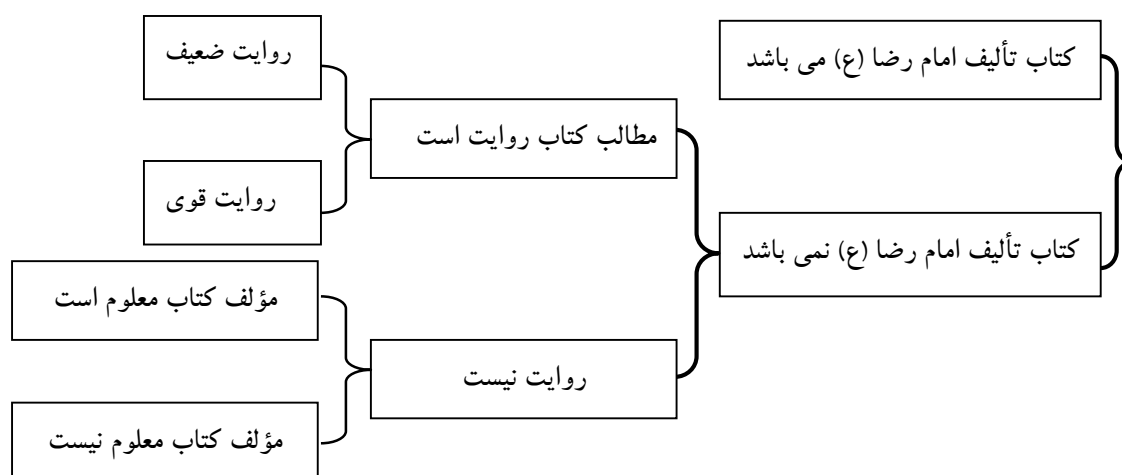
۱. خاتمة المستدرک؛ ج ۱، ص: ۲۳۶

۲. خاتمة المستدرک؛ ج ۱، ص: ۲۳۶ و ۲۳۷

۳. خاتمة المستدرک؛ ج ۱، ص: ۲۳۷

۴. خاتمة المستدرک؛ ج ۱، ص: ۲۳۸

۱. پس بحث در میان علما درباره این است که:



۲. مرحوم صاحب مستدرک خود بر این عقیده است که: برخی مطالب کتاب، املاء حضرت است و بقیه متعلق به احمد بن محمد بن عیسی اشعری است.

بررسی ادله گروه اول:

۱) مرحوم نوری در مستدرک بر این عقیده است که وقتی قاضی امیر حسین که انسان ثقه و صاحب تشخیص بوده است از دو نفر از اهالی قم نقل می کند که این کتاب از امام رضا (ع) است، خبر او تحت ادله حجیت خبر واحد قرار می گیرد. و اگر اشکال شود که این خبر عن حس نیست بلکه خبر عن حدس است (چراکه قاضی امیر حسین با توجه به قرائن، این کتاب را از امام رضا (ع) می داند) و ادله حجیت خبر واحد شامل آن نمی شود، جواب می دهند: اولاً: اموری که خودشان حس نیستند بلکه مبادی حس دارند مثل شجاعت یا نسب، تحت ادله حجیت خبر واحد قرار می گیرند و از این دست است انتساب کتابی به فردی که می تواند از مبادی حسیه مثل هوامش علما و اجازه آنها و ... حاصل شود. ثانیاً: خبر موثوق الصدور حجت است و نه خبر ثقه و ظاهراً خبر صحیح در اصطلاح قدما، بر خبر موثوق الصدور اطلاق می شده است.

ما می گوئیم:

اولاً: نقل کتاب، همانند نقل اموری که تنها مبادی حسیه دارند، نیست و لذا جریان حجیت خبر ثقه در آن مربوط به امور حسی است. و اگر قرائن به سر حد اطمینان برسد، قابل اتکا است (ولی دیگر تحت ادله خبر واحد قرار نمی گیرد) و اگر هم به سر حد اطمینان نرسد ادله حجیت خبر ثقه شامل آن نمی شود

ثانیاً: وثوق به صدور اگر از نقل داستان قاضی امیر حسین حاصل شود، خوب است و الا برای کسی که چنین وثوقی پیدا نمی کند، حجیت پدید نمی آید.



۲) صاحب ریاض العلماء - بنابر نقل مستدرک - می نویسد:

«ثمّ اعلم أنّ أحمد السکین، و قد یقال أحمد بن السکین، هذا الذی قد کان فی عهد مولانا الرضا صلوات الله علیه، و کان مقرباً عنده فی الغایة، و قد کتب الرضا علیه السلام لأجله کتاب فقه الرضا علیه السلام، و هذا الکتاب بخطّ الرضا علیه السلام موجود فی الطائف بمکة المعظمّة، فی جملة کتب السید علی خان المذکور، التي قد بقيت فی بلاد مکة، و هذه النسخة بخطّ الکوفی، و تاریخها سنة مائتین من الهجرة، و علیها إجازات العلماء و خطوطهم، و قد ذکر الأمير غیاث الدین - المذکور نفسه - أيضاً فی بعض إجازاته بخطّه هذه النسخة، ثمّ أجاز هذا الکتاب لبعض الأفاضل، و تلك الإجازة بخطّه أيضاً، موجودة فی جملة کتب السید علی خان، عند أولاده بشیراز.»^۱

این مطلب به نوعی دیگر در کلام سید بحر العلوم نیز وارد شده است:

«و قد اتّفق لی فی سنّی مجاورتی المشهد المقدّس الرضویّ، علی مشرفّه سلام الله العلیّ، إنّی وجدت فی نسخة من هذا الکتاب، من الکتب الموقوفة علی الخزانة الرضویّة، أنّ الإمام علیّ بن موسی الرضا علیهما السلام، صنّف هذا الکتاب لمحمد بن السکین، و إنّ أصل النسخة وجدت فی مکة المشرفّة، بخطّ الإمام علیه السلام، و کان بخطّ الکوفی، فنقله المولی المحدث الآمیرزا محمد - و کان صاحب الرجال - الی الخطّ المعروف، و محمد بن السکین فی رجال الحديث رجل واحد، و هو محمد بن السکین بن عمّار النخعی الجمال، ثقة له کتاب.»^۲

توضیح:

۱. احمد بن مسکین (یا محمد بن مسکین) از مقربین امام رضا (ع) بوده است.
۲. حضرت به خاطر او کتاب فقه الرضا (ع) را نگاشته اند.
۳. نسخه ای از این کتاب به خط امام رضا (ع) در طائف (در مکة مکرمه) در ضمن کتاب های سید علی خان موجود بوده است.
۴. این نسخه به خط کوفی بوده است و تاریخ نگارش آن سال ۲۰۰ هجری قمری بوده است.
۵. امیر غیاث الدین به برخی اجازه نقل این کتاب را داده است.
۶. دست خط امیر غیاث الدین، هم در مجموعه کتاب های سید علی خان موجود بوده است.

۱. خاتمة المستدرک؛ ج ۱، ص: ۲۴۲ / ریاض العلماء؛ ج ۳، ص: ۳۶۴

۲. خاتمة المستدرک؛ ج ۱، ص: ۲۴۵ / فوائد السید بحر العلوم؛ ص: ۱۵



۷. بحر العلوم در ضمن کتاب های موجود در حرم امام رضا، نسخه ای از فقه الرضا (ع) را به خط عربی معمولی دیده که میرزا محمد آن را از نسخه خط کوفی (که در مکه بوده) به خط عربی معمولی برگردانده است.
۸. مرحوم صاحب مستدرک اختلاف نقل احمد و محمد را تصحیف از یکدیگر می داند.